روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران
صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان
نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷
تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸
توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

روزنامه شرق

سه‌شنبه ۲۰ خرداد ۱۴۰۴ • ۱۴ ذی‌الحجه ۱۴۴۶ • ۱۰ ژوئن ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۳۰ • ۱۲ صفحه
اذان ظهر تهران ۱۲:۰۴ • اذان مغرب ۱۹:۴۱ • اذان صبح فردا ۳:۰۲ • طلوع آفتاب ۴:۴۸

در دل توسعه‌یافتگی منطقه آزاد چابهار، تصویری تلخ از فقر، بی‌کاری و مهاجرت پنهان شده است. مناطقی همچون مرادآباد، میرآباد و جنگلوک، میزبان هزاران خانواده‌ای هستند که در جست‌وجوی زندگی بهتر، از روستاهای دور و نزدیک سیستان‌وبلوچستان به حاشیه این بندر مهاجرت کرده‌اند. بخش درخور توجهی از ساکنان این مناطق را مهاجرانی از دیگر شهرستان‌ها مانند ایرانشهر، سرباز، راسک و سراوان و حتی اتباع خارجی فاقد شناسنامه تشکیل می‌دهند. عکس: محمد صفری، ایسنا

instagram:sharghdaily1 twitter:sharghdaily youtube:sharghdaily Telegram:SharghDaily aparat:tasvirshargh www.sharghdaily.com

شبکه‌خوانی

تجربیاتی که شنیده نمی‌شود

سمیه‌توحیدلو
جامعه‌شناس

از همان دانشگاه آغاز می‌شود. حضور در تشکل‌ها و انجمن‌های دانشجویی؛ اگر چیزی در دانشگاه‌ها به شکل مستقل مانده باشد، آموزشی است برای حضور مدنی و اجتماعی. تمرینی برای کار تیمی و مسئولیت‌پذیری اجتماعی. اما از قدیم‌الایام تشکل‌ها با هم تفاوت زیادی داشتند؛ برخی بودند برای هزینه‌دادن و برخی برای بالارفتن از پلکان و رشد در عرصه‌های مختلف. اگر درهای هر دو به روی همه هم باز می‌بود، هیچ ایرادی نداشت. چه جایی بهتر از دانشگاه برای یارگیری.

سال‌های زیادی است که در انجمن‌ها هم از نوع دانشجویی (در زمان خودش) و هم در انجمن علمی عضویت و فعالیت داشته‌ام. یکی از بزرگ‌ترین ایرادات و انتقادات بیرونی به انجمن‌ها، رویکردهای ویژه سیاستی و اجتماعی است. برخی باور دارند انجمن‌ها که انتخابی هستند، فقط یک گروه را نمایندگی می‌کنند. بارها در پاسخ گفته شده اگر برخی رویکردها نیستند، دلیلش این نیست که روی این انجمن‌ها به این دسته از تفکرات بسته است؛ دلیلش آنجاست که صاحبان برخی تفکرها کارهای مهم‌تری دارند.

جاهایی مثل خانه اندیشمندان به واسطه انجمن‌های علمی سر پا هستند. حتی اگر قرار باشد همه تفکرات باشند، تشکل‌های مدنی فعال و مستقل هستند که می‌توانند کنار هم قرار بگیرند، با هر مدل نگاه و نظری. اینکه «جبهه فرهنگی انقلاب» و تفکری در جامعه که از دانشگاه دنبال همان بالارفتن است، وقتی به کار فرهنگی هم می‌رسد، سراغ کار داوطلبانه و غیرانتفاعی نمی‌رود. بسیاری از دوستان کمی متفاوت را می‌شناسم که به جای حضور داوطلبانه ترجیح می‌دهند مؤسسه بزنند، اندیشکده تأسیس کنند، نشریه‌ای رسمی راه‌اندازی کنند و هم درآمدزایی کنند و هم از بی‌شمار جایی که مسئولیت بودجه‌دادن به خدمات فرهنگی دارند -چون می‌توانند!- بهره بگیرند. از طرفی آنها صاحبان اصلی رسانه، از رسانه ملی به پایین هستند. دیگر دنبال تریبون‌های اجتماعی نمی‌گردند، بنابراین گروه تشکل‌نیافته اما پرصدایی می‌شوند که اگر قرار به کنار هم قرارگرفتن‌شان هم باشد، باز هم هزینه‌ای یا ارگانی برای حمایت‌شان همیشه هست. قصد ندارم ارتباط اقتصاد و فرهنگ را زیر سؤال ببرم و درآمدزایی از فرهنگ را ناصواب بدانم، اما گاهی مسیرهای مداوم بازِ درآمدزا، مانع از کار داوطلبانه می‌شود. مخاطبان کم‌وکیف کارها را متوجه می‌شوند. نشست‌هایی که بیشتر به کیفیت و ماهیت سخنرانان می‌پردازند. سخنرانانی که بعد از سخنرانی منتظر کارت‌های هدیه خود نیستند. جمع‌هایی که دلی و به ضرورت مسئولیت اجتماعی شکل می‌گیرند، شاید در کیفیت پوسترها، در مدل تبلیغات و... پیش‌رو نباشند؛ اما ارتباط بهتری می‌گیرند. و البته جماعتی به خاطر فاصله‌گذاری همیشه سیستم از آنها تواناتر و متبحرترند در برگزاری چنین رویدادهایی. هر بار که این جماعت داوطلب کار! موفق می‌شوند نهادی علم کنند، به جایی رونق بخشند یا نامی را بر زبان بیندازند، به فوریت گروه دوم به بهانه متکثرکردن صدا آنجا را از آنِ خود می‌کند. اما به محض تغییر رویکرد رونق از آنجا می‌رود. با دوستی تعداد پژوهشکده و پژوهشگاه‌ها، فرهنگسراها، جاهایی مثل خانه و حسینیه ارشاد و... را برمی‌شمردیم که همین تغییر رویکرد باعث از رونق افتادن و مخاطبانی انگشت‌شمار شده است. هر بار این اتفاق می‌افتد و هیچ زمانی سیاست‌گذار فرهنگی به این نمی‌اندیشد که چرا چنین تبحری در خراب‌کردن و بی‌رونق‌کردن مکان‌ها دارد. به نظر می‌رسد باید گذاشت جامعه مدنی نفس بکشد. کار کند و رونقش چنان شود که همگان علاقه‌مند به حضور و حتی مکلف به حضور در آن باشند.

مروری بر برخی ترجمه‌های بیژن اشتری

امید علیه امید

شیما بهره‌مند

بیژن اشتری، مترجم پرکار سال‌های اخیر، روز هجدهم خردادماه پس از دوره‌ای بیماری درگذشت. اشتری پیش از آنکه به‌عنوان مترجم شناخته شود، به همکاری با نشریات پرداخته بود. او از اوایل دهه ۶۰ برای مطبوعات نقد سینمایی می‌نوشت و ترجمه‌هایی نیز در زمینه سینما در نشریات منتشر کرده بود. او اما در دو دهه اخیر، یعنی از سال‌های میانی دهه ۸۰ به این سو، به شکل جدی‌تری به ترجمه پرداخت. عمده ترجمه‌های اشتری در این دوره مربوط به کتاب‌های زندگی‌نامه رهبران سیاسی است که در سال‌های مختلف منتشر شده‌اند. در میان ترجمه‌های قدیمی‌تر اشتری، کتاب‌هایی سینمایی نظیر «برتون به روایت برتون» و «فرهنگ سینمای معاصر آمریکا» هم دیده می‌شود. «سکوت همچون سلاح»، درباره زندگی و مرگ ایساک بابل، آخرین کتابی بود که با ترجمه اشتری در روزهای پایانی سال گذشته منتشر شد. از بین کتاب‌هایی که به زندگی رهبران سیاسی مربوط هستند و توسط اشتری ترجمه شده‌اند می‌توان به این آثار اشاره کرد: «زندگی من: هیلاری کلینتون»، «صدام»، «قذافی»، «یک زندگی: بیل کلینتون»، «راسپوتین»، «پل پوت»، «پوتین»، «برژنف»، «موسولینی» و «زندگی و مرگ ارنستو چه‌گوارا».

به‌جز کتاب‌های مربوط به زندگی رهبران سیاسی، اشتری آثار دیگری هم به فارسی برگردانده که یکی از آنها «امید علیه امید» نام دارد. «امید علیه امید» اثر نادژدا ماندلشتام اثری است که در سال ۱۹۶۴ نوشته شد. در آن زمان البته امکان انتشار این کتاب در شوروی وجود نداشت در نتیجه دست‌نوشته‌های کتاب از شوروی خارج شدند و پس از ترجمه به زبان انگلیسی برای اولین‌بار در غرب چاپ شد. کلمه نادژدا در زبان روسی به معنای امید است و عنوان کتاب نیز اشاره‌ای به همین موضوع است. «امید علیه امید» درواقع خاطرات نویسنده از زندگی با شوهر شاعرش، اوسیپ ماندلشتام، در فاصله سال‌های ۱۹۳۴ تا ۱۹۳۸ است. اوسیپ ماندلشتام در پانزدهم ژانویه ۱۸۹۱ در ورشو متولد شده بود. شهرت او در دهه قبل از ملاقات با همسر آینده‌اش در ۱۹۱۹، شکل گرفته بود؛ دهه‌ای که در این کتاب عمدتا نادیده گرفته شده زیرا نویسنده فقط درباره چیزهایی نوشته که خودش بی‌واسطه از آنها اطلاع داشته است. اوسیپ در سن‌پترزبورگ و در خانواده‌ای که از معدود یهودیان روس بودند که اجازه اقامت در مسکو و سن‌پترزبورگ را داشتند بزرگ شد. ماندلشتام از بزرگ‌ترین شاعران روسی قرن بیستم به شمار می‌رود. زندگی او نیز مثل بسیاری دیگر از نویسندگان و شاعران هم‌دوره‌اش پرتلاطم و بحرانی بود و شرح وقایع آن در کتاب «امید علیه امید» آمده است. اوسیپ ماندلشتام اولین‌بار با چاپ شعرهایش در مجله «آپولون» به شهرت رسید. «آپولون» از نشریات فاخر هنری و ادبی روسیه بود که سلایق هنری روسی را در مقطع آغاز قرن بیستم بازتاب می‌داد. این مجله نقش مهمی در معرفی گروهی از شاعران جوان که خود را آکمئیست می‌نامیدند ایفا کرد. مهم‌ترین چهره‌های این جریان عبارت بودند از: نیکلای گومیلیوف، آنا آخماتووا و ماندلشتام. این سه شاعر با آثارشان مکتب آکمئیسم را از کوتاهی عمری، که چنین مکاتب و مجامعی به آن مبتلا بودند، نجات دادند و آن را به یک واقعیت دائمی در تاریخ ادبیات روسیه بدل کردند. گومیلیوف اولین مجموعه شعرهای ماندلشتام را در سال ۱۹۱۳ در «آپولون» چاپ کرد. این کتاب که «سنگ» نام داشت در ۱۹۱۶ تجدیدچاپ شد. ماندلشتام شاعری بود که اگرچه در دوران اولیه پس از انقلاب اکتبر با انقلاب همدلی نشان داد اما همواره فاصله‌اش را با حکومت حفظ کرد و بعدها این فاصله عمق بیشتری پیدا کرد و همین مسئله سرنوشتی دشوار برای ماندلشتام به همراه آورد.

نویسنده این کتاب، نادژدا ماندلشتام، از هشتادویک سال عمرش، نوزده سال را به عنوان همسر اوسیپ ماندلشتام و چهل‌ودو سال را به عنوان بیوه او سپری کرد. مابقی، دوران کودکی و جوانی‌اش بود. در جمع افراد تحصیل‌کرده، به‌ویژه در بین اهالی ادبیات، صرف بیوه یک مرد بزرگ بودن کفایت می‌کند که چنین فردی صاحب هویت شود. این به‌ویژه درباره روسیه آن دوره صدق می‌کند.

کتاب «امید علیه امید» نخستین‌بار با ترجمه به زبان انگلیسی در سال ۱۹۷۰ در غرب منتشر شد. این کتاب تصویری از وضعیت دشوار یکی از بزرگ‌ترین شاعران قرن بیستم روسیه به دست داده است.

اما همان‌طور که مترجم کتاب «امید علیه امید» در مقدمه‌اش توضیح داده، این کتاب چیزی فراتر از شرح مسائل و مصائب اوسیپ ماندلشتام است، چراکه به توصیف دوره‌ای پرآشوب برای نویسندگان و روشنفکران و هنرمندان روسیه پرداخته است: «این کتاب درواقع یکی از بهترین منابع برای شناخت زندگی اجتماعی و نیز زندگی روشنفکری در روسیه استالینی است. البته امید علیه امید عمدتا کتاب خاطرات است، اما خیلی بیشتر از کتاب خاطراتِ صرف است. اگر بگوییم کتاب مربوط به خاطرات نویسنده از نوزده سال زندگی مشترکش با اوسیپ ماندلشتام -یعنی از اول مه ۱۹۱۹ تا اول مه ۱۹۳۸- می‌شود، تا حدی درست گفته‌ایم، اما این تعریف کفایت نمی‌کند زیرا شامل انبوهی از نکاتی نمی‌شود که خواننده از آنها لذت خواهد برد».

یاد

تشییع پیکر ۲ سینماگر

افسوس رفتن امیر سماواتی و داوود عرب؛ امروز مراسم تشییع دو نفر از اهالی سینما قرار است در قطعه هنرمندان بهشت زهرا برگزار شود.

ابتدا در ساعت ۱۰ امیر سماواتی تشییع می‌شود و پس از آن در ساعت ۱۰:۳۰ داوود عرب از دستیاران فیلم‌برداری به منزل ابدی راهی می‌شود.

درگذشت امیر سماواتی تهیه‌کننده مستقل

امیر سماواتی بازیگر و تهیه‌کننده سینما، تلویزیون شامگاه ۱۸ خرداد در ۶۵سالگی در یکی از بیمارستان‌های تهران از دنیا رفت. فرزند او با اعلام این خبر از درگذشت پدرش به دلیل عارضه قلبی خبر داد. بلافاصله پس از درگذشت او سیل پیام‌های تسلیت اهالی سینما و مسئولان سرازیر شد. او تهیه‌کننده فیلم‌هایی همچون نفس عمیق، دربند، کافه ترانزیت و... بود و یادش در سینمای ایران ماندگار است.

امیر سماواتی سال گذشته در فیلم «زاپاتا» اثر دانش اقباشاوی، نقش یک تهیه‌کننده سینما را بازی کرد و یکی از آثار ماندگار سینمای ایران، «نفس عمیق» به تهیه‌کنندگی او ساخته شده است.

امیر سماواتی در بیست‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر با فیلم «نفس عمیق» توانست جایزه بهترین فیلم جشنواره را از آن خود کند. همچنین با فیلم «کافه ترانزیت» در بیست‌وسومین جشنواره فجر نیز حضور پیدا کرد و در آن دوره نیز جایزه بهترین فیلم را از آن خود کرد.

آخرین فیلم او در سی‌ویکمین دوره جشنواره فیلم فجر با نام «دربند» اکران شد که این فیلم نیز برنده جایزه بهترین فیلم جشنواره شد.

یکی از آخرین حضورهایش در بخش بین‌الملل سی‌ودومین جشنواره بین‌المللی فیلم فجر با فیلم «با دیگران» بود که این فیلم توانست دیپلم افتخار ویژه هیئت داوران را از آن خود کند.

او از سال ۱۳۷۹ تا ۱۳۹۵ تهیه‌کنندگی آثاری همچون «در انتهای اوین»، «دبستان شوک»، «نفس عمیق»، «کافه ترانزیت»، «قصه عشق»، «باغ قرمز»، «همه چی آرومه»، «کوچه ملی»، «دربند»، «پنج ستاره»، «با دیگران»، «ساکن طبقه وسط» و «کاکا» را بر عهده داشت.

وی همچنین کارگردانی فیلم «باغ قرمز» را در کارنامه خود داشت و در فیلم‌های «هشت‌ونیم شب»، «دربند»، «کرگدن»، «در نقش پدر کاظمی» و «زخم کاری» نیز به ایفای نقش پرداخته است.

وی در سال ۱۳۳۸ در همدان زاده شد. او کارشناسی کارگردانی و تدوین داشت و همچنین مدیرعامل مؤسسه تولید و توزیع فیلم درخشان آفتاب عالمتاب بود؛ این شرکت نخستین شرکت دانش‌بنیان سینمایی و عضو پارک علم و فناوری البرز است.

سماواتی بین سال‌های ۱۳۶۰ تا ۱۳۸۰ تهیه‌کننده و کارگردان سریال‌ها و برنامه‌های تلویزیونی مختلفی بوده است که ازجمله آنها می‌توان از «ماجراهای آقای خیرخواه»، «همسایه‌های روبه‌رو» و «فرزندان ایران» نام برد و همچنین در ساخت برنامه‌های ترکیبی تابستانه و پاییزانه، مسابقه «محله» و مسابقه «انسان خودرو و مهارت» نیز حضور داشت.

داوود عرب پیش‌کسوت فیلم‌برداری درگذشت

داوود عرب، از پیش‌کسوتان و چهره‌های برجسته صنف دستیاران فیلم‌برداری سینمای ایران، صبح یکشنبه ۱۹ خرداد ۱۴۰۴ بر اثر عارضه ریوی درگذشت. مهرداد لشکری، رئیس انجمن صنفی دستیاران فیلم‌برداری سینما، در گفت‌وگو با ایسنا با اعلام این خبر گفت: «زنده‌یاد داوود عرب مدتی به دلیل عارضه ریوی تحت درمان در منزل بود».

لشکری در ادامه افزود: «داوود عرب ازجمله اعضای بنیان‌گذار نخستین انجمن صنفی دستیاران فیلم‌برداری در سال ۱۳۵۸ بود و همواره نقش مؤثری در حفظ و اعتلای جایگاه حرفه‌ای این صنف ایفا کرد».

داوود عرب متولد ۱۵ مهر ۱۳۲۶ بود و فعالیت حرفه‌ای خود در عرصه سینما را از سال ۱۳۵۰ آغاز کرد. او در طول بیش از پنج دهه فعالیت، به عنوان دستیار فیلم‌بردار در پروژه‌های سینمایی متعددی، پیش و پس از انقلاب، همکاری داشت و با کارگردانان بزرگی همچون زنده‌یاد ساموئل خاچیکیان و محمدرضا فاضلی کار کرده بود.

ازجمله آثار شاخصی که نام داوود عرب در آنها به چشم می‌خورد، می‌توان به فیلم‌های «دندان مار» به کارگردانی مسعود کیمیایی، «خواستگاری» ساخته مهدی فخیم‌زاده، «جان‌دار»، «سمفونی نهم» و همچنین «گیج‌گاه» اشاره کرد؛ فیلمی که در آن علاوه بر فعالیت فنی، در مقام بازیگر نیز ظاهر شد.

مراسم تشییع پیکر این هنرمند فقید، امروز سه‌شنبه ۲۰ خرداد ساعت ۱۰:۳۰ صبح در قطعه هنرمندان بهشت زهرا(س) برگزار خواهد شد.

هنرخوانی

اعتراض در برادوی بدون نام‌بردن از ترامپ

مراسم اهدای جوایز تونی با معرفی بهترین‌های برادوی همراه بود. در این مراسم که می‌توان جورج کلونی را ناکام بزرگ آن نامید، رکوردهای خاصی گذاشته شد و برخلاف اسکار هیچ اشاره مستقیمی به نام ترامپ نشد.

۳ رکورد

برندن جیکوبز-جنکینز با پیروزی‌اش برای «هدف»، سومین نمایش‌نامه‌نویسی شد که در دو سال پشت سر هم جایزه تونی دریافت می‌کند. کارا یانگ هم برای «هدف» به عنوان بهترین بازیگر زن نقش مکمل انتخاب و به اولین بازیگر سیاهپوستی بدل شد که دو سال پشت سر هم جایزه تونی را دریافت می‌کند. پل تیزول طراح لباس برای «مرگ او را می‌سازد»، چند ماه پس از کسب جایزه اسکار برای «شرور»، جایزه تونی را از آن خود کرد.

انتقاد بدون بردن نام

بیشتر برندگان جامعه تئاتری از وقت خود روی صحنه برای انتقاد از دولت ترامپ استفاده کردند اما نامی از او نبردند.

فرانسیس جو برنده جایزه بهترین بازیگر نقش مکمل مرد برای «چهره زرد» گفت: «به کسانی که احساس دیده‌شدن نمی‌کنند، به کسانی که در این دوران اقتدارگرا هدف قرار می‌گیرند، می‌گویم که شما را می‌بینیم، شجاع باشید، رؤیاپردازی کنید و رؤیاهای بزرگ داشته باشید». کارا یانگ که برای بازی در نمایش هدف (Purpose) دومین جایزه تونی خود را دریافت کرد نیز اشاره‌هایی ظریف به فضای سیاسی داشت. او گفت: «در دنیایی که تا این حد از هم گسیخته‌ایم، تئاتر یک فضای مقدس است»؛ جمله‌ای که احتمالا اشاره به شکاف میان بخشی از جامعه تئاتر و دونالد ترامپ دارد، به‌ویژه از زمانی که او در ماه فوریه خود را رئیس مرکز کندی در واشنگتن معرفی کرد. یانگ ادامه داد: «این فضای مقدسی است که باید به آن احترام بگذاریم و با لمسش یکی شویم». در هفته‌هایی که از انتصاب ترامپ در مرکز کندی گذشته، شماری از هنرمندان و گروه‌های تئاتری به نشانه اعتراض اجراهای خود را در این محل لغو کرده‌اند؛ ازجمله گروه نمایش «همیلتون».

بسمه تعالی

امام به ما یاد داد که بگوییم و باور کنیم که می‌توانیم.
مقام معظم رهبری

بیان و قلم عاجز از توصیف عظمت ابعاد شکوه اجتماعی است که شما پیروان بی‌شمار حضرت روح الله در برنامه‌های **سی و ششمین سالگرد بزرگداشت رهبر کبیر انقلاب اسلامی** آفریدید. گرما و ناملایمات طبیعی، مشکلات معیشتی و ناترازی‌ها، التهاب‌ها و تلاطم‌های سیاسی جهانی، تحریم‌ها و تهدیدهای واقعی دشمنان و تبلیغات چهل و چند ساله شبانه روزی آمریکا و چند دولت غربی زخم خورده از انقلاب اسلامی هیچ‌یک مانع از آن نشدند تا بار دیگر در موسم گردهمآیی سالانه ملی ایران در شب و روز چهاردهم و پانزدهم خرداد شاهد حضور خیره کننده صدها هزار زن و مرد ایرانی در گرداگرد مضجع نورانی **حضرت امام خمینی** (سلام الله علیه) در فضای وسیع رواق‌ها و فضاهای گسترده صحن‌ها و محیط پیرامونی حرم مطهرش باشیم.

به گواهی هزاران خبر و تصویری که منتشر شده است این مراسم در سال‌جاری علیرغم همه مخاطرات و موانع، به گونه‌ای باورنکردنی بسیار متراکم‌تر، منظم‌تر و برجسته‌تر از قبل برگزار گردید. اینچنین بود که این اجتماع بزرگ مناسبترین فرصت زمانی و مکانی را برای آگاهی بخشی **رهبر معظم انقلاب اسلامی** نسبت به مبرم‌ترین نیازهای شناختی از اندیشه و **راه امام خمینی** در شرایط حساس کنونی فراهم ساخت.

ارائه بازتفسیری نو از تأکید بر تدبیر و عقلانیت در اندیشه و رفتار سیاسی امام خمینی با تکیه بر اصل بنیادین **«استقلال ملی»** در گفتمان امام خمینی که جهت گیری سایر اصول خط امام را همچون **«مقاومت»** و **«استقامت»** آشکار می سازد، از برکات این حضور عقلانی و معنوی عظیم بود چنانکه همین نیازسنجی دقیق روز و زمانه بود که بخش مهم دیگر سخنان کشتیبان انقلاب اسلامی به اعتراف عموم تحلیلگران، به ارائه منطقی‌ترین بیان مستدل از چگونگی و چرایی حقانیت ملت ایران در موضوع دسترسی علمی و عملی نظام جمهوری اسلامی ایران به دانش هسته‌ای و فرآیند غنی سازی و مراحل مختلف آن اختصاص یافت و در حقیقت این بیان دقیق و کامل، مسیر عقلانی نیل به توافقی پایدار در این زمینه را ترسیم نمود.

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی(س) به رسم معهود سالانه وظیفه می‌داند مراتب قدردانی خویش و همچنین مراتب تشکر آیت الله سید حسن خمینی یادگار حضرت امام و اعضاء بیت شریف امام راحل را از حضور خالصانه یکایک زائران شرکت کننده، بیانات حکیمانه **رهبر فرزانه انقلاب اسلامی حضرت آیت الله العظمی خامنه ای مدّ ظله العالی**، حضور تمامی مسئولین و مقامات عالی نظام جمهوری اسلامی خصوصاً از **جناب آقای دکتر پزشکیان ریاست محترم جمهور** که با سخنرانی عالمانه و قاطع خود در حرم مطهر و شب چهارده خرداد بر پیروی از آرمان‌ها و اهداف بلند حضرت امام تاکید نمودند، از مراجع عالیقدر و علما و روحانیون معزز و خانواده معظم شهداء و ایثارگران، ریاست و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی، ریاست و اعضاء محترم قوه قضائیه، اعضاء محترم شورای نگهبان و مجلس خبرگان رهبری، دفتر مقام معظم رهبری، رئیس و اعضاء محترم مجمع تشخیص مصلحت نظام، نماینده ویژه ریاست محترم جمهوری در ستاد بزرگداشت وزیر محترم کشور جناب آقای دکتر مومنی و جناب آقای دکتر ساجدی نیا، کمیته محترم اجرایی، کمیته محترم امنیت و ترافیک، وزارتخانه های محترم امور خارجه، نفت، جهاد کشاورزی، نیرو، دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، راه و شهرسازی، دادگستری، بهداشت درمان و آموزش پزشکی، اطلاعات، اقتصاد و دارایی، ورزش و جوانان، علوم تحقیقات و فناوری، صمت، آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی، فرهنگ و ارشاد اسلامی، میراث فرهنگی، گردشگری و صنایع دستی، سفرا و وابستگان نظامی خارجی مقیم جمهوری اسلامی، سازمان انرژی اتمی، جمعیت هلال احمر، کمیته امداد، سازمان برنامه و بودجه، دانشگاه آزاد، اتاق اصناف ایران، استانداران و فرمانداران سراسر کشور خصوصاً تهران، معاونت امنیتی و انتظامی وزارت کشور آقای پور جمشیدیان، سپاه ستاد کل نیروهای مسلح، پاسداران انقلاب اسلامی، ارتش جمهوری اسلامی ایران، فرماندهی انتظامی جمهوری اسلامی، بسیج مستضعفان، به ویژه فرمانده قرارگاه شهید فهمیده سردار حسن زاده و اعضاء آن، سپاه ولی امر، سپاه انصار المهدی، سپاه محمد رسول الله و سپاه سیدالشهداء و کمیته آماد و پشتیبانی قرارگاه، پلیس راهور، ریاست بنیاد مستضعفان، ریاست ستاد اجرایی فرمان حضرت امام، بنیاد شهید و امور ایثارگران، شهردار محترم تهران و مناطق ۲۲گانه و سازمان‌های وابسته، سازمان بهشت زهرا، شرکت اتوبوسرانی، تاکسیرانی و مترو تهران و حومه، بیمه مرکزی، بانک مرکزی، دبیرخانه مناطق آزاد، کمیته فرهنگی و کلیه مراکز تبلیغاتی خصوصاً صدا و سیما، خبرنگاران داخلی و خارجی، مطبوعات، رسانه هاو فضای مجازی، سازمان تبلیغات اسلامی، شورای هماهنگی تبلیغات، شورای سیاست گذاری ائمه جمعه، سازمان اوقاف و امور خیریه، روابط عمومی و ستاد خبری ستاد بزرگداشت، موسسه تنظیم و نشر آثار حضرت امام، مدیران و کارکنان آستان مقدس امام و تمامی برگزار کنندگان مراسم در سراسر کشور، کلیه مسئولان، وزارتخانه ها، سازمان‌ها و نهادها که با حضور در حرم مطهر و حسینیه جماران با آرمان‌های امام تجدید پیمان نمودند، ریاست و اعضاء ستاد خارجی به ویژه میهمانان عزیز خارجی که از کشورهای مختلف جهان با شور و اشتیاق خاصی در مراسم شرکت نمودند، نمایندگان محترم ادیان الهی و از کلیه برگزار کنندگان مراسم در خارج از کشور اعلام می‌نماید.

ستاد مرکزی بزرگداشت حضرت امام خمینی (س)

شناسه آگهی ۱۹۴۷۳۴۰ م الف ۹۳۶